

در سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی
«فرمالیسم» همه را مرعوب کرده است؛
کافی است چیزی بگویی که مخاطبان را
گیج و مبہوت کند و جرأت طرح
پرسش را از آنان سلب نماید.
این است رمز و راز موفقیت
در جامعه علمی اقتصاد



انزوای اقتصادنهادگرا در ایران

○ موسی غنی‌نژاد

رویکرد نهادگرا در اقتصاد ما ضروری است

○ فرهاد مؤمنی

یکی از مهمترین ویژگی‌های نگاه نهادگرا این است که تلاش می‌کند تا تئوری‌های مطرح شده با واقعیت‌های موجود جامعه، رابطه نزدیک‌تر و منطقی‌تر داشته باشند. با این رویکرد، اقتصاد نهادگرا تلاش می‌کند که پاسخی برای یکی از مهمترین پارادوکس‌های موجود در نظام، آموزش، اندیشه و سیاستگذاری اقتصادی پیدا کند.

بر طبق داعیه جهان‌شمولی گزاره‌های اقتصادی، در ادبیات اقتصاد مرسوم، نگاه نهادگرا این پرسش را مطرح می‌کند که اگر مسایل و راه حل‌ها در سطح جهان، مستقل از شرایط و مکان، یکسان هستند، چرا به کارگیری قواعد و راهکارهای موجود به نتایج متناقضی می‌انجامد؟ در واقع نگاه نهادگرا در تلاش است تا نشان دهد ترتیبات و چهارچوب‌های نهادی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در الگوهای رفتاری هر جامعه دارند. رفتارهای متفاوت، واکنش‌های متفاوت و عملکردهای متفاوت، بازتابی از شرایط نهادی متفاوت هستند. این شیوه سبب می‌شود که زمینه حل و رفع آن پارادوکس نظری به وجود آید و به سمت انطباق بیشتر رهنمودها و سیاستگذاری‌ها با شرایط و مقتضیات محیطی حرکت کنیم.

از سوی دیگر، وقتی تجربیات توسعه کشور در طی ۵۰ ساله گذشته را مرور می‌کنیم، ملاحظه می‌شود که به لحاظ نظری، رویکردهای نظری حاکم بر برنامه‌های توسعه، دقیقاً منطبق با طرز تلقی جهان‌شمول از مسایل و راه حل‌های اقتصادی بوده است. واقعیت این است که با وجود صرف هزینه‌های مادی و انسانی بسیار سنگین، کشور هنوز به هیچ وجه دستاوردهایی متناسب با آن هزینه‌ها نداشته است.

یکی از مهمترین کاستی‌هایی که نافرجامی این کوشش‌ها را توضیح می‌دهد، عدم انطباق تئوری‌های به کار گرفته شده با شرایط و مسایل جامعه است. رویکرد نهادگرا، فرصت و امکان ارزیابی علمی آن تجربیات و راه‌گشایی عالمانه برای آینده را با تکیه بر دستاوردهای نظری و عملی بشر فراهم می‌کند.

نگاه نهادگرا، به واسطه این که یک سنت تاریخی نسبتاً طولانی را از لحاظ محتوی آموزشی و روش‌های آموزشی زیر سؤال می‌برد، با واکنش شدیدی روبرو شده است. لذا اگر قدم‌های جدی‌تری در این

۱ - اقتصاد نهادگرا یکی از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهشی اقتصاد طی چند دهه اخیر است. این شاخه از علم اقتصاد در دنیای پیشرفته از لحاظ نظری و عملی جایگاه مهمی پیدا کرده است. متأسفانه در جامعه ما به جز معدودی از پژوهشگران و دانشگاهیان توجه شایسته‌ای به این شاخه مهم علمی از جهت نظری نشده است، در حالی که بسیاری از معضلات اقتصادی جوامع در حال توسعه در چارچوب این شاخه از علم اقتصاد قابل طرح، بررسی و چاره‌جویی عملی است.

۲ - معدود پژوهشها و ترجمه‌هایی که در این خصوص صورت گرفته از کیفیت خوبی برخوردار است. اما متأسفانه اینها حتی در محافل صرفاً علمی و دانشگاهی نیز انعکاس شایسته‌ای نداشته است.

۳ - مهمی از مخاطبان اقتصاد نهادگرا قاعدتاً برنامه‌ریزان و مسؤولان دولتی هستند. اما این افراد نه تنها با اقتصاد نهادگرا بلکه اساساً با هیچ نظریه علمی میناه خوبی ندارند.

۴ - تا آنجا که سن می‌دانم این کتاب مهم و راهگشا از استقبالی که در شرف آن است برخوردار نشده است.

۵ - به علت خصلت چندرشته‌ای اقتصاد نهادگرا و تازگی برخی از مفاهیم علمی آن، محافل ذاتاً محافظه‌کار دانشگاهی و نیز مراکز پژوهشی روی خوش به آن نشان نمی‌دهند و با بی‌اعتمادی و سوءظن به آن می‌نگرند. این مشکل البته صرفاً به اقتصاد نهادگرا مربوط نمی‌شود و هر اندیشه نویمی با این مسئله روبرو است. اما چند رشته‌ای بودن اقتصاد نهادگرا مزید بر این علت شده است.

۶ - جامعه علمی اقتصاد در ایران مناسبات و مراودات بسیار اندکی با سایر علوم انسانی دارد و این ضایعه بزرگی نه فقط برای علم اقتصاد بلکه برای علوم انسانی و اجتماعی به طور کلی است. همین مسئله باعث می‌شود که اقتصاد نهادگرا با استقبال جامعه علمی اقتصاد روبرو نشده و در انزوا قرار گیرد.

۷ - واسیلی لئونتیف پدر تحلیل اقتصادی مبتنی بر جدول داده - ستانده طی سخنرانی در سال ۱۹۷۰، با عنوان «فرض‌های نظری و واقعیت مشاهده نشده» پرده از شرکدهای خالی از محتوای اقتصاددانان برمی‌دارد و می‌گوید: «هنیختانه هر کس که بتواند حساب و جبر مقدماتی، یا مر جاً پیشرفته، را فراموش کند و با اصطلاحات تخصصی دانش اقتصاد آشنایی حاصل نماید می‌تواند خود را در جای یک نظریه‌پرداز قرار دهد. شوق غیرمنتظرانه اقتصاددانان به صورتندی ریاضی به این جهت است که محتوای حقیقی بسیار بی‌نوام استدلال‌شان را در پشت چپه تفسیرناپذیر علامت جبری پنهان سازند.» (ر.ک. به: لئونتیف و واسیلی، اقتصاد داده - ستانده ترجمه کورش صدیقی، سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۵) میچو موریشیما، اقتصاد - ریاضی دان ژاپنی نیز با اشاره به کاهش «بازدهی نهایی» و اینکه با استفاده گسترده از هر ابزار می‌توان میزان بازدهی آن کاهش می‌یابد می‌گوید: «ارزیابی شخصی من چنین است که در سال‌های اخیر از ریاضیات بیش از حد بهره گرفته شده است و بازدهی نهایی آن به‌طور چشمگیری کاهش یافته است.» وی همچنین با تحلیل شیوه کار فیزیکی‌دانان و هدف آنان مبنی بر اینکه هنر ریاضیات موجود بهره‌گرفته‌اند تا بدیده‌های فیزیکی را روشن سازند» می‌گوید:

«اگر آرمان اقتصاد ریاضی‌دانان بر آن است که چنین پیشرفت‌هایی را در علم اقتصاد تحقق بخشند لازم است که از مشاهدات بهتری نسبت به آنچه در اقتصاد واقعی وجود دارد استفاده کنند و لذا به نحو مناسب با واقعیت در تماس باشند. آنچه در این جا ضروری است مطالعه عمیق واقعیت است (و برای نیل به این هدف باید دانش بیشتری در باب تاریخ، جامعه‌شناسی و عوامل نهادی داشته باشیم) و نیز آنکه هدف کاربرد ریاضی در اقتصاد براساس واقعیت را دنبال کنند. تا زمانی که این اهداف تحقق نیافتند، ریاضی‌دانان نه تنها باید در استفاده از ریاضی در اقتصاد با احتیاط عمل کنند و خود را درگیر انتظارات دور از ذهن نکنند بلکه باید لاقول برای منقذ استفاده از اشکال گیج‌کننده ریاضی در اقتصاد را به کنار بگذارند.» (برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: موریشیما، میچو. بهره‌گیری‌هایی در دست و نادرست از ریاضیات، ترجمه مرتضی قربانجیان، مجله علمی پژوهشی دانشکده علوم اقتصادی و سنیسی دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۷۳، شماره ۳).

اگر مسایل و راه حل‌ها در سطح جهان، مستقل از شرایط و مکان یکسان هستند، چرا به کارگیری قواعد و راه‌کارهای موجود، به نتایج متناقض می‌انجامد

تجربه کشورهای بلوک شرق در دوره بعد از فروپاشی شوروی سابق، بحران در کشورهای شرق آسیا و بالاخره تجربه عملکرد بیست ساله اقتصاد چین، نگاه نئوکلاسیک را برای حل و فصل مسایل توسعه زیر سؤال برده است

اگر نگاه نهادگرا رونق پیدا کند و منزلت معرفت تاریخی برای تعمیق اندیشه اقتصادی به درستی درک شود، بازگشت به خویشتن را در عرصه‌های آکادمیک شاهد خواهیم بود

هر قدر ظرفیت‌های توسعه‌ای یک کشور کمتر باشد، شدت تأثیر پذیری و تعامل میان زیر سیستم‌های اقتصادی و سیاسی افزایش می‌یابد

که توانایی نگاه نئوکلاسیک را برای حل و فصل مسایل توسعه زیر سؤال برده، عبارتند از: تجربه کشورهای بلوک شرق در دوره بعد از فروپاشی شوروی سابق، تجربه بحران کشورهای شرق آسیا و بالاخره تجربه عملکرد بیست ساله گذشته اقتصاد چین. در چنین شرایطی چشم‌انداز نسبتاً روشن‌تری برای نگاه نهادگرا در اقتصاد ایران فراهم می‌شود.

البته دایره تأثیرگذاری نگاه نهادگرا، به واسطه این که اولاً بیشترین تأکیدات را بر نظام آموزشی و ارتباط آن با شرایط خاص بومی دارد و ثانیاً باتوجه به این که ایران، در شرایط فعلی از لحاظ گسترش و پوشش آموزش‌های رسمی در سطوح مختلف در استثنایی‌ترین شرایط تاریخ خود به سر می‌برد، بسیار بیشتر خواهد شد و اثر لازم خود را بر همه سطوح مختلف آموزش کشور برجای خواهد نهاد.

۳) علیرغم اینکه نویسنده آن یکی از معتبرترین نظریه‌پردازان اقتصاد نهادگراست و به دلیل همین کوشش‌ها جایزه نوبل اقتصاد را دریافت کرده است، از این کتاب به میزان قابل قبولی استقبال نشده است. مهمترین دلیل عدم استقبال از این کتاب این است که ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نگاه نهادگرا در میان اقتصاددانان به اندازه کافی شناخته شده نیست و اگر به ملاحظات متدولوژیکی و آن ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها توجه شود، یقیناً خوانندگان بیشتری جذب چنین آثاری خواهند شد.

۴) رویکرد نهادگرا قابل به وجود نقیصه‌ای بزرگ در آموزش‌های اقتصادی مرسوم است که همان نگاه مسلط غیرتاریخی و انتزاعی است. نهادگرایان تلاش دارند با برجسته کردن نقش تاریخ اقتصادی و جامعه‌شناختی راه را برای باروری و شکوفایی اندیشه‌های عالمانه اقتصادی هموار کنند.

مادر این زمینه با کاستی‌های زیادی زوبرو هستیم. هنوز تعداد کتاب‌هایی که از منظر تاریخ اقتصادی تجربه پنجاه ساله حکومت پهلوی‌ها را مورد بررسی قرار دهند، کمتر از تعداد انگشتان یک دست است. همین‌طور این مسأله برای دوره قاجاریه بسیار رقت‌انگیزتر و فقیرانه‌تر است. درخصوص دوران ۲۲ ساله جمهوری اسلامی هم، حتی یک کتاب که با ضوابط آکادمیک به ارزیابی این تجربه گران‌سنگ بپردازد، وجود ندارد. بنابراین

چارچوب برداشته شود، احتمالاً با واکنش بیشتری هم روبرو خواهد شد. تا آنجا که این واکنش‌ها در کادر قواعد و ضوابط علمی صورت بگیرد، بسیار مفتم خواهد بود و دستاوردهای درخشانی را در پی خواهد داشت. اما تحقق این دستاوردها مستلزم کارهای بسیار زیادی است که طبیعتاً آنچه که تاکنون انجام شده با آنچه که نیازمند آن هستیم فاصله بسیار دارد. در عین این که به واسطه سنت تقلیدگرا در نظام آموزشی ایران، این خطر وجود دارد که اقتصاد نهادگرا که در ذات خود تقلید را از اساس مورد حمله قرار می‌دهد، تبدیل به ابزاری جدید برای نگاه‌های تقلیدی به مسایل اقتصاد ایران شود.

البته کارهای قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفته و بیش از چند کتاب ترجمه شده، تالیف چند مقاله و چند رساله دانشجویی قدم مهم دیگری برداشته نشده است. اما چند مسأله است که چشم‌انداز روشنی برای آینده اقتصاد نهادگرا و مطالعات مربوط به آن به تصویر می‌کشد. مسأله نخست این است که ناکارآمدی پارادایم مسلط موجود برای حل و فصل مسایل اقتصادی ایران، روز به روز بر افراد بیشتری معلوم می‌گردد. ابزارهایی که تاکنون در عرصه نظری و عرصه اجرایی و عملی، مورد استفاده قرار گرفته، نتوانسته‌اند مسایل و مشکلات موجود اقتصادی کشور را در حد انتظار رفع کنند.

نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که دولت فعلی که به عنوان دولت اصلاحات مطرح شده است، متغیرهایی را به عنوان متغیرهای اساسی معرفی کرده که در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و سیاسی بااهمیت هستند. این متغیرها در چهارچوب نگاه نهادگرا هم با اهمیت تلقی می‌شوند. لذا پشتوانه نظری و تجربی قابل قبولی در راستای این رویکرد به وجود آمده و چون اساس این رویکرد محکوم کردن نگاه تقلیدی است، و شرایط محیط بیرون را در عملکرد اقتصادی مؤثر می‌داند، احتمال این که آن پشتوانه عملی و نظری منشاء تجدید حیات نگاه‌های تقلیدگرانه شود، به حداقل خواهد رسید.

مسأله مهم دیگر این است که نگاه نهادگرا در طی دهه اخیر و به علت سه حادته بسیار مهم که در سطح جهان اتفاق افتاده، از مقبولیت قابل توجهی در مراکز آکادمیک برخوردار شده است. آن سه حادته مهم

اگر نگاه نهادگرا رونق پیدا کند و منزلت معرفت تاریخی برای تعمیق اندیشه اقتصادی به درستی درک شود، مطمئناً نوعی بازگشت به خویشتن را در عرصه‌های آکادمیک شاهد خواهیم بود. حلقه تکمیلی این رویکرد نیز اضافه شدن نگاه جامعه‌شناختی به مسایل اقتصادی کشور است. در این زمینه حتی به لحاظ ادبیات تئوریک با فقر بسیار شدید و گسترده‌ای روبرو هستیم. به نحوی که در بیست سال گذشته در زمینه جامعه‌شناسی اقتصادی فقط یک کتاب آن هم به صورت ترجمه شده در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. آن کتاب نیز با تلاش‌های جناب آقای رضاعلی و ریسک ناشری که آن کتاب را چاپ کرد، عرضه شده است.

۶) یکی از غفلت‌های حوزه اقتصاد مرسوم و در عین حال یکی از نقاط قوت و حساسیت‌برانگیز نگاه اقتصاد نهادگرا، جایگاه ویژه‌ای است که برای ساختار قدرت در شکل‌گیری رفتارها و عملکردهای اقتصادی قابل می‌شود. با این که اتفاق نظر گسترده‌ای درخصوص نقش تعیین‌کننده عوامل سیاسی بر سمت‌گیری‌های اقتصادی وجود دارد، مادر این زمینه یعنی نگاه اقتصاد سیاسی بسیار ضعف داریم و اصول و ضوابط علمی اندیشه در این زمینه در حد قابل قبولی در اختیار علاقه‌مندان قرار ندارد. امیدوارم با جدی‌تر شدن پایگاه اقتصاد نهادگرا، ادبیات اقتصاد سیاسی هم در کشورمان با رونق بیشتری مواجه شود.